



اجتهاد و اعتدال

اجتهاد و اعتدال

و این نه با عقلانیت انتقادی اقبال لاهوری سرسازگاری دارد و نه با انتقاط پسته پندی شده کسانی که دین را نه یک بنیاد معرفتی مبتنی بر حق بلکه مبنی بر شناخت دین بر اساسی توجیه صرف به آموزه‌های بیرونی می‌دانند. در این جا انتقاط به این دلیل ناموجه است که به دلیل در نظر نگرفتن روش‌شناسی دلخشاها باعث آمیزش معارف متخالف یا یکدیگر می‌شود.

فقه مهم‌ترین نقطه اتقاف مفاهیم فون در حوزه شریعت رسمی است. اجتهاد در این چلیچه عنوان ابزار کارآمد فقه است. آن روش‌ها را فراموش می‌کنند و نه خود را به بیان حکم و موضوع محدود می‌کنند و به تعبیری برنامه ارائه می‌دهند. این ارائه برنامه - بر گس - اس همان سنت اعتدال که در مقاله دکتر محقق داماد آمده است - به این معنا نیست که فقه خود را متکفل بیان حکم برای تمام احتیاجات آدمی در همه زمان ها و مکان ها بدانند که این این ایده مطلق گرایانه و افراطی اخباریان پیشین است. بلکه فقط باتکیه بر روش‌ها ضمن آن که نموس را پیش چشم می‌نهد احکام موضوعات نیامده در کتاب و سنت را نیز به عقل ارجاع می‌دهد و محصول این تلاش عقلانی روشمند نیز فقه می‌داند و نه دین. بنابراین اعتدال در این جا علاوه بر معنای اخلاقی و کنشسی... که استاد محقق بیشتر بر آن تکیه دارد - از معنایی روش‌شناختی نیز برخوردار است. به همین معناست که می‌توانیم از زبان فقیه روشنگری چون امام خمینی (ره) از فقه به یونان سخن بگوییم: «تمام سعی خودتان را بکنید که خدای نکرده اسلام در پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم اداره قدرت در جهان نگرند» (اصحیحه نور، ج ۲، ص ۲۲۱).

مدرسه فقهی فقه که ادامه سنت خجسته اجتهاد شیعی است، به رغم اختلاف فقیهان در گرایش‌ها و نه در بینش‌ها، اینک همان میراث راه‌پایانی می‌کنند. این حوزه فقهی به دلیل نشوونمای فقیهان و اصولیان و محدثان و عالمان علوم عقلی در آن می‌تواند آینه تمام‌نمای اجتهاد و اعتدال باشد. یعنی نه در اندیشه‌های فقهی و اصولی عقل‌گرای مغرط باشد و نه متن‌گرای بی‌چون و چرایه ویژه این که در زمان ماطلاب دانشمند و آگاه به زمان در این سرزمین کم‌ایستند؛ اسلام‌شناسان جوانی که بی‌تردید هم‌راستا با اقتت تعجر آگاهند و هم‌راستا با اقتت افراط.

سید باقر میر عبداللهی، رویکرد نوآرندیشانه به دین همواره با دو قطب مخالف و یا به قولی با دو اقتت رویه‌رو بوده است: تعجر و نقی مطلق سنت. تعجر زمانی پدید می‌آید که آموزه‌های دینی از مناسبت‌های تاریخی و منابع وجودی‌شان جداگانه لحاظ شوند. تعجر آنند پیش شکل بیرونی و تاریخی آن آموزه‌ها را تآوری خود می‌داند و هیچ نوع نگاه معرفت‌شناسانه به آنها را بر نمی‌تابد. پس از رحلت پیامبر (ص) و قرار گرفتن اسلام در دوره جدیدی از روندهای حکومتی که خلافت در آن معنایی اتعرف آمیز یافت، نوعی از اشمری‌گرایی افراطی زمینه‌ساز اتکفا به ظواهر آیات در فهم دین شد. در همین دوره عقل سنجیز، ائمه شیعه (ع) در پناه مفهوم عقل، که باقی‌ماند و استحسان مرزی قاطع می‌یافتند، زمینه‌های را فراهم آوردند تا در دوره‌های چند فقیهان و اصولیان شیعه در سایه قواعد کلی استنباط عام و خاص مطلق و مفید، نسخ منسوخ، مجمل و مبین و... ایستادند. میان صورت‌های تاریخی سیال و صورت ثابت، هر زهایی قائل شوند.

هر سوسی دیگر این افراط، گروهی از روشنفکران ایستادمانند تاریخ را که بی‌بینی‌در می‌یابیم که اینان گاه مجال اصلاح دینی را چنان فراخ می‌دیدند که تلاش‌شان - اگر چه گاه پیشرفت‌هایی برکتز آرا پدید می‌آورد - ولی در واقع در زمره کسانی بودند که از دیوار موجود بالا می‌رفتند و از پام فسرو می‌افتادند. نماجسرای عبرت آموز برخی رویکردهای نوین در تفسیر قرآن از این قبیل است. در این رویکرد دشوور و غیرت اصلاح دینی و نیز توجه مبارزه جوانانه و ایدئولوژیک و این که یا پدیدبرای عقب‌ماندگی امت اسلامی علاجی عاجل‌اند. پیش‌قدمی‌شد که انواع و اقسام آرا مثلاً به نام تفسیر علمی قرآن امکان بروز پدید برای نمونه برخی مواضع تفسیر المصنار، تمام تفسیر عجیب و غریب سید احمدخان هندی، و صورت و حشمتاک تر آن تفسیر مارکسیستی از قرآن، تاریخ‌نظور اندیشه‌های این گروه و گروه دیگری از روشنفکرانی که در این رافقط صورت‌های برای روشنگری و عقلانیت می‌دانند. نشان می‌دهد که هر آنفالی که فرار است روز آمدی و کار آمدی این سنت را نشان دهد، باید در قلمرو همین سنت بیفتد. تر کجیب آموز‌های ثابت و متحول باروشی‌مبین - که همان اجتهاد است - پیشین‌ها د فقه شیعی است. این نوع از روش فهم دین مبتنی بر برخی مبانی لغوی است.